



12 مارچ 2021

داکتر سید عبدالله کاظم

یک سند تاریخی: "اعلامیه جمعیت رستگاری ملی افغانستان"

اخیراً مطالبی در باره زندگینامه مرحوم پوهاند محمد اصغر بقلم محترم داکتر لیلا ابدالی برای قاموس کبیر افغانستان تهیه وبه تاریخ 10 مارچ 2021 در این پورتال به نشر رسید که در آن ضمن گزارش مختصر خدمات علمی و اداری ایشان به این موضوع نیز اشاره گردیده که: «پوهاند محمد اصغر در سال های اخیر حیات شان که کشور درگیر بحران جنگ داخلی شده بود از وضعیت جنگ های داخلی سالهای 1992م خیلی رنج می بردند به همین اساس بود که بنیاد "جمعیت رستگاری ملی" را بخاطر دریافت یک راه حل معقول سیاسی و معتدل برای افغانستان گذاشتند؛ این جمعیت متخصصان متشکل از وزرای اسبق و اساتید پوهنتون کابل و اشخاص متجرب اداری و سیاسی بود. پوهاند محمد اصغر در این مدت همواره با نمانیده خاص سرمنشی ملل متحد برای افغانستان آقای بینان سیوان در مشوره و مذاکره بود.»

از آنجائیکه تاحال کمترین معلومات در باره "جمعیت رستگاری ملی افغانستان" به نشر رسیده است، خواستم برای مزید معلومات علاقمندان مسائل سیاسی و تاریخی کشور اعلامیه این جمعیت را که بتاريخ 29 سنبله 1368 (19 اگست 1989) در کابل از طرف اعضای مؤسس آن تصویب و به شکل یک رساله به نشر رسیده و درباره اهداف این جمعیت و بنیانگذاران آن معلومات میدهد، تقدیم دارم؛ و اما قبل از آن برای روشن شدن مزید موضوع لازم است به چند نکته مقدماتی مختصراً اشاره شود:

گورباچف قبل از آنکه به خروج قوای شوروی از افغانستان در فیروزی 1989 بپردازد، در نظر داشت تا ضمن اقدامات دیگر یک حکومت ظاهراً بیطرف و در واقع در دست کمونیست ها را در افغانستان بقدرت برساند و میخواست داکتر حسن شروق را که از سالها بدانسو مخفیانه در خدمت شوروی قرار داشت، بجای داکتر نجیب بگمارد، ولی شور دنازا وزیر خارجه شوروی موافق نبود، به نظر او با اینکار خطر سقوط رژیم دست نشانده بیشتر می شد. او میخواست با حفظ نجیب یک حکومت ائتلافی مسلمان نما را بوجود آورد. بنابر همین دلیل فضل الحق خالقیار را موظف تشکیل کابینه ساختند. همچنان با وارد کردن تغییرات ظاهری از جمله تغییر رنگ بیرق، تغییر نام حزب دموکراتیک خلق به "حزب وطن"، ایجاد سازمانها و احزاب نام نهاد و نشرات غیرحزبی، یادکردن آیات قرآنی و احادیث نبوی در بیانیه ها و از همه مهمتر راه اندازی اقداماتی زیر عنوان "مصالحه یا آشتی ملی" و ایجاد یک حکومت ائتلافی بنام "حکومت وحدت ملی" و جلب و جذب بعضی شخصیت های غیرحزبی و تقرر شان به حیث اعضای کابینه و غیره، همه جزء همین برنامه بودند که پس از خروج قوای شوروی باید بوسیله داکتر نجیب پیش گرفته می شدند.

یکی از این اقدامات همانا تشکیل چند سازمان ظاهراً سیاسی و تشکیل چند حزب بود که همه در واقع زیر چتر حزب حکومتی "وطن" فعالیت میکردند. داکتر نجیب طی یک بیانیه در پارلمان خود ساخته خویش بتاريخ 25 سپتمبر 1991 از موجودیت 11 حزب سیاسی و 17 سازمان اجتماعی یاد کرد که در جمهوری افغانستان فعالیت مینمایند و همه در برابر قانون از حقوق مساوی برخوردار میباشند. (دیده شود متن مکمل بیانیه داکتر نجیب - منتشره روزنامه هیواد، مورخ 26 سپتمبر 1991، شماره 748)

کاندید اکادمیسین محمد ابراهیم عطایی در کتاب "نگاه مختصر به تاریخ معاصر افغانستان" از 9 حزب نام می برد که در آنوقت تأسیس و به فعالیت آغاز کردند، هریک: - حزب وطن که همان حزب دموکراتیک خلق سابق بود؛ - سزا (سازمان زحمتکشان افغانستان) به رهبری حمدالله گران؛ - حزب اسلامی مردم افغانستان به رهبری قاری عبدالستار سیرت [این شخص را نباید با داکتر عبدالستار سیرت به اشتباه گرفت]؛ - حزب عدالت دهقانان افغانستان به رهبری عبدالحکیم توانا؛ - حزب همبستگی مردم افغانستان به رهبری سرور نورستانی؛ - کجا (حزب گارگران جوانان افغانستان) به رهبری عبدالعزیز تره خیل؛ - اتحادیه انصارالله به رهبری صفر محمد خادم و - مجمع رستگاری ملی افغانستان به رهبری پوهاند محمد اصغر. عطایی می افزاید:

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

«این احزاب هم از نجیب پول می‌گرفتند و هم نجیب و دستگاه او را کوبیده آنان را متهم می‌ساختند.» (عطایی، محمد ابراهیم: "نگاهی مختصر به تاریخ معاصر افغانستان"، مترجم از پشتو به دری: دکتر جمیل الرحمن کامگار، کابل، 1389، صفحه 455)

با این مقدمه کوتاه اکنون توجه را به متن مکمل اعلامیه جمعیت مذکور جلب میدارم:

"اعلامیه جمعیت رستگاری ملی افغانستان" (مورخ 29 سنبله 1368 مطابق 19 آگست 1989)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوات و السلام على رسوله خاتم الانبياء و المرسلين و اما بعد

هموطنان عزیز!

بیش از ده سال است که نائره جنگ و خونریزی در مملکت عزیز ما افغانستان مشتعل بوده و با گذشت هر روز بر شدت آن افزوده شده می‌رود. کمتر روزی می‌گذرد که بمب و راکت و خمپاره و مرمی تگرگ آسا به شهر و ده و کوه و دشت ما فرو نمی‌بارد. بدتر از همه اینکه امروز افغانستان به تجربه گاهی مبدل گردیده که در آن سلاح های مخرب و کشنده زرادخانه های اجانب مورد آزمایش قرار می‌گیرد و کشور ما را تخریب و مردمان آنرا بسوی نابودی می‌کشاند.

در نتیجه این جنگ خانمانسوز بسا از شهرها و دهات، تأسیسات اقتصادی، اجتماعی و ابنیه تاریخی و فرهنگی کشور ما خراب و ویران گردید. صدها هزار افراد ملت ما بشمول اطفال معصوم به خاک و خون غلطیده اند و یا مجروح و معلول شده اند. چندین میلیون از هموطنان ما با وضع فلاکت بار در دیار اجانب متواری شدند. اقتصاد ملت ما به ورشکستگی گرائید و وطن محبوب ما تا لب پرتگاه نیستی کشانیده شد. علت عمده این همه بدبختی ها اینست که قدرت های اجنبی کشور آزاده ما را تخته مشق سیاست بازی های خود ساخته و آنرا به مقصد توسعه نفوذ سیاسی و اقتصادی خویش به صحنه مجادله بین المللی مبدل کرده اند و با تبلیغات فتنه انگیز و ارسال سلاحهای کشنده و مخرب و کمکهای مالی لامحدود به متخاصمین، نائره جنگ را هر آن دامن میزنند.

افغان ها مسلماً حق دارند که سرنوشت آینده خویشرا در یک فضای فارغ از فشارهای گوناگون داخلی و فضای خالی از اعمال نفوذ و مداخلات غرض آلود خارجی تعیین کنند، افغانها بصورت عموم به استثنای عده یی بسیار محدود خواهان زندگی مسالمت آمیز میباشند و نمی‌خواهند حکومتی و دولتی بر سر آنها بالجبر و الاکراه و به زور لوله تفنگ و برچه و با نشانه گیری توپ و تانک تحمیل گردد.

افغانها درین فرصت نیازمندی مبرم به احیاء مجدد مملکت مخروبه خویش دارند.

فرهنگیان، دانشوران، منورین و اشخاص با فهم و تجربه که در واقع سرمایه ملی ما بوده اند، یا به خارج کشور پناهنده شدند و یا به گونه ای به سرنوشت بدتر ازین مواجه گردیدند. پدیده ترک وطن هنوز هم از بین نرفته و دوام دارد و پرکردن این خلاء کاری آسانی نخواهد بود آنچه به هیچگونه قابل جبران نمیباشد، از بین رفتن انسان است، از بین رفتن افغان و افغان برادر من و تو. شاید تعمیرات را دوباره اعمار کنیم، ولی آنانیکه در نتیجه این جنگ طولانی و تپاه کن به ابدیت پیوستند، احیای مجدد آنها جز در قیامت محال میباشند. ما در مملکت خویش عنعناتی داشتیم، عنعنات نیک و پسندیده و انسانی که همه دارد از بین می‌رود.

خواهران و برادران هموطن!

خوب بنگرید تربیت اولاد وطن بکجا رسید، ملیونها ساعات تعلیمی را در نتیجه تخریب مکاتب در مملکتی که عده یی صاحب سواد آن خیلی اندک است، از دست دادیم. تربیه متباقی اولاد وطن چه در داخل و چه در خارج کشور با یک سیستم بیگانه پیش برده میشود.

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

در مملکت ما هر گروه مخالف گروه مقابل خود را متأسفانه بنام دشمن یاد می کنند و آنهم دشمن آشتی ناپذیر و هرکدام یکدیگر را از تیرکش و نشانگاه تفنگ می بینند و بدبختی بزرگتر اینکه کشور دارد محکوم به تجزیه قومی و ملی، سمنی و لسانی میگردد.

بر مملکت بیچاره ما که مردم آن به لباس و مسکن و دوا نیازمند اند و در یک سخن محتاج یک روز زندگی بدون ترس و رعب در زیر شرایط صلح میباشند، اسلحه مرگبار از سوی اجانب برای ویرانی کشور و کشتن افغان مانند سیلاب سرازیر میگردد.

برادران هموطن!

آیا فکر کرده اید که عاقبت این سرزمین و این مردم آزاده بکجا خواهد انجامید؟

از اینرو ما یک عده افغانانیکه سالیان دراز برای فرا رسیدن روز صلح و مسالمت انتظار کشیدیم و منتظر ماندیم تا سرنوشت افغانها بدون مداخله خارجی بدست خود افغانها تعیین گردد، ولی باکمال تأسف می بینیم با گذشت هر روز ریشه این فلاکت و مصیبت عمیقتر و پهن تر می گردد و چشم طمع اجانب به خاک کشور، این میراث مقدس نیاکان ما و این امانت شهیدان راه خدا و وطن با حرص و آز بیشتر نگران گردیده و بذر فساد و برادرکشی را درین خاک آغشته بخون میخوانند به صورت دوامدار بکارند و بخون جوانان وطن آبیاری کنند. معتقدیم بیش ازین منتظر ماندن و ناظر بودن بر اوضاع فلاکت بار مملکت گناه عظیم و نابخشودنی است.

بنابراین بدون هراس فقط براساس مصلحت ملی وانگیزه وجدانی و با آزادی کامل و بدون تبعیض و تمایل به هیچ جانبی محض بر بنیاد خیر اندیشی و نیک سگالی:

به منظور ایجاد فضای مساعد برای مفاهمه تمام جوانب نیدخل و دریافت راه حل قابل قبول برای مردم و فرقه مخالف، به منظور فراهم آوردن زمینه برای اعلان آتش بس و مراقبت از تطبیق آن،

به منظور قطع ایادی خارجی از مداخلات در امور متعلق به مردم و کشور ما،

به منظور همکاری و مساعدت برای تشکیل حکومت موقت وحدت ملی شامل جوانب نیدخل و تجدید قانون اساسی توسط لویه جرگه واقعاً نماینده مردم، به منظور مساعدت در انتخابات آزاد برای شورای ملی و سهم گیری همه جوانب در آن،

به منظور همکاری در ایجاد نظام دولتی مبتنی بر اساسات دین مقدس اسلام، تاریخ و فرهنگ ملی و ایجابات عصر،

به منظور استحکام سیاست عدم انسلاک و عدم دنباله روی در سیاست خارجی و در نهایت، به منظور اعاده صلح توأم با عدالت در کشور و سربلندی ملت و تأمین حقوق افراد آن،

ما اعضای مؤسس جمعیت رستگاری ملی تصمیم گرفتیم تا از طریق تماس با:

جمیع جوانب درگیر افغانی اعم از شخصیت ها و سازمانهای سیاسی و نیروهای ملی در داخل کشور، احزاب و تنظیم های افغانی مقیم در پاکستان و ایران و دردیگرکشورها، قوماندانان مسلح در مناطق مختلف وطن، شاه سابق و طرفدارانش در داخل و بیرون از مملکت و افغانان ساکن در خارج کشور جهت دعوت به یافتن راه حل مسایل میرم ملی و وطنی و حل آن از طریق مفاهمه و رعایت حقوق فردی و اجتماعی به توکل خدای متعال آغاز بکار کنیم، زیرا:

به نظر ما خاموش نشستن و منتظر ماندن درین وضعی که هیچ فامیل افغان وجود ندارد که کشته نداده و یا مجروح و معلول و آواره نداشته باشد و در حالیکه صعود روزافزون قیم و قلت مواد ضروری بیداد میکند و انفلاسیون بی سابقه کشور اقتصاد ما را به ورشکستگی مواجه ساخته و مردم ازین شرایط نهایت دشوار رنج میکشند، گناهی است بزرگ و نابخشودنی. ما درین راه به محافل بین المللی، اعم از سازمان ملل متحد، سازمان کشورهای غیرمنسلک، سازمان کنفرانس اسلامی، شخصیت های برجسته ملی و مذهبی و اشخاص مؤثر و مفید در ممالک همجوار، سازمانهای غیرحکومتی بین المللی و ملی کشورهای مختلف مراجعه خواهیم کرد و آواز ملت ستمدیده و مورد تجاوز افغان را که خواهان صلح و همزیستی مسالمت آمیز و مدعی حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و انسانی درخاک خود هستند، بگوش همه و هر فرد انسان دوست خواهیم رسانید و ضمیر انسانیت را در زمینه بیدار خواهیم کرد. با هر فرد و هر جمعیتی

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاره ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

که بر بنیاد این اهداف عمل کند، همکاری خواهیم ورزید. ما جمیع افغانان را چه در خارج باشند و چه در داخل کشور باین امر خیر دعوت میکنیم. شاید عده محدودیکه زندگی خویش را از دود باروت و لوله تفنگ تأمین میکنند و در زنده ماندن خود فقط مدیون قتل و کشتار هموطن هستند و منفعت خود را در جنگ میجویند، بر علیه ما توطئه کنند و جبهه بگیرند، ولی چون منظور ما صرف جلب رضای خدا و رعایت انسانیت و حق وطن است و بدون نظر داشت منافع شخصی و زندگی چند روزه پر زرق و برق با ایمان به اینکه هر که در راه خیر و فلاح قدم می گذارد، خداوند عالم ضامن پیروزی اوست و به پیروی این گفته پیغمبر اسلام که میفرماید: «انصر اخاک ظالما او مظلوما» دست بکار میشویم و شاهد زنده ما اینست که در مدت ده سال گذشته حتی با سیاست های معموله زمان رضائیت و همنوائی نشان نداده ایم و همچنان با جوانی که در صف مخالف و محارب رژیم موجود قرار گرفته اند، همکاری نداشته ایم.

ما با هیچ قدرت و یا ابرقدرتی همکاری را جایز نمی دانیم، مگر آنکه از دخالت مستقیم و غیرمستقیم در امور داخلی ما دست بکشند.

ما از جمیع افغانان میخواهیم در این راه به قدم و دَرَم با ما کمک کنند، از جامعه بشری که عاطفه انسانی و ضمیر بشری ایشان هنوز زنده است، میخواهیم ملت ما را از طریق همنوائی خویش ازین ورطه هلاکت نجات دهد.

از جمیع افغانانیکه قلب ایشان از محبت وطن و هموطن می تپد، آرزو مندیم همچو جمعیت ها را در هر کجاییکه هستند، تأسیس کنند و باهم متحد شوند و آواز حقانیت خویشرا هرچه رساتر بگوش جامعه بشری برسانند.

هموطنان عزیز!

در هر کجاییکه هستید، متحد شوید، دست بدست هم دهید، وجوه افتراق را فراموش کنید، اختلافات گذشته را مطابق عنعنات افغانی کنار بگذارید، ساعد و بازوی همدیگر شوید، همدیگر را در آغوش بکشید. وطن شما در لحظات بسیار حساس و دشوار تاریخ قرار دارد، تنها از طریق وحدت و اتفاق و شکیبایی و گذشت میتوان ازین لحظات بغرنج تاریخ افغانستان موفق و سر بلند به ساحل نجات رسید.

و نتوکل علی الله و به نستعین.

این اعلامیه در جلسه 29 / 6 / 1368 ش [19 آگست 1989م] مورد موافقه اعضای مؤسس جمعیت رستگاری ملی قرار گرفت و آن را تصویب نمود:

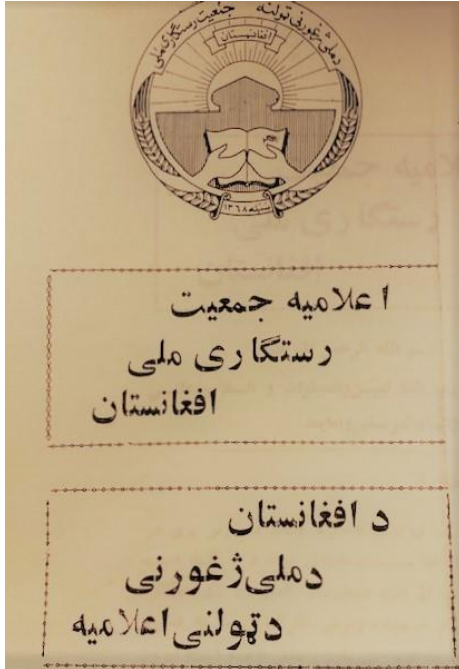
- 1 - پوهاند محمد اصغر سابق معاون ریاست انکشاف وادی هلمند، رئیس پوهنتون کابل، کابل شاروال، وزیر عدلیه - به حیث رئیس،
- 2 - دکتور محمد امان سابق رئیس بانک انکشاف صنایع، وزیر مالیه - بحیث معاون،
- 3 - جنرال متقاعد عبدالحکیم کتوازی سابق قوماندان خارتندی کابل - به حیث معاون،
- 4 - انجنیر عبدالقدوس مجید سابق معین وزارت صنایع و معادن - بحیث منشی،
- 5 - شیخ علی احمد فکور روحانی و عالم - بحیث منشی،
- 6 - محمد انور ضیائی سابق وزیر مالیه - به حیث عضو،
- 7 - دگر جنرال محمد عظیم متقاعد سابق وزیر فواید عامه - به حیث عضو،
- 8 - پروفیسور عبدالواسع سراج استاد پوهنئی حقوق پوهنتون کابل - به حیث عضو،
- 9 - پروفیسور محمد انور ار غندیوال سابق وزیر عدلیه و حال استاد پوهنتون - به حیث عضو،
- 10 - دکتور محمد اکبر عمر سابق وزیر تجارت - به حیث عضو،
- 11 - عبدالحکیم سابق وزیر زراعت - به حیث عضو،
- 12 - پوهاند داکتر عبدالله واحدی سابق رئیس پوهنتون و والی کابل - به حیث عضو،
- 13 - سید عثمان جنرال متقاعد سابق معاون محکمه نظامی - به حیث عضو،
- 14 - محترم لال [لعل] گل فریاد سابق نماینده شورای ملی - به حیث عضو،
- 15 - محترم حفیظ الله سابق رئیس شرکت سرویس - به حیث عضو.

[پایان اعلامیه جمعیت رستگاری ملی افغانستان]

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلینکې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

متن اعلامیه فوق در عین زمان به پشتو و انگلیسی نیز درج رساله منطبقه مذکور میباشد: تحت عنوان "د افغانستان د ملی ژغورنی د تولنی اعلامیه" و Declaration of Intent by National Salvation Society of Afghanistan



دراين ارتباط قابل ذکر ميدانم که کاپی این رساله را از جناب محترم پوهاند داکتر عبدالله واحدی - دوست عزیز و دانشمندم که یک شخصیت وارسته و وطندوست بودند و در اثنای جنگ های داخلی پس از سقوط رژیم نجیب وطن را ترک کردند و به امریکا مهاجر و در جنوب کالیفورنیا اقامت گزین شدند، در سال 1993 ضمن دیدار با ایشان دستیاب کردم. همچنان از ایشان پرسیدم که جمعیت رستگاری بعد از آغاز بکار چه دست آوردهایی داشتند، فرمودند که: جمعیت در واقع حیثیت یک "پینه سر زانو" را برای رژیم داشت و از حمایت رژیم چندان برخوردار نبود، چون اعضای آن شخصیت های غیروابسته با رژیم و همه از جمله تکنوکراتهای برجسته دوران سلطنت و جمهوریت شهید محمد داؤد خان بودند. رژیم فعالیت جمعیت رستگاری را به دقت زیر نظر داشت و گذشته از آن وقایع مهمی که بعد از تصویب اعلامیه جمعیت در وطن به وقوع پیوست، اوضاع را تغییر داد از جمله حمله مجاهدین به جلال آباد فقط یک ماه بعد از خروج قوای شوروی بار گران را بردوش رژیم انداخت، سپس بروز اختلافات در داخل رژیم و کودتای "شهنواز تنی" بتاريخ 5 مارچ 1990، در واقع شیرازه نظام را

شدیداً از هم پاشید و نجیب مجبور شد تا دوباره به اقدامات تصفیوی در داخل رژیم دست بزند. کابینه خالقار از مجموعه کسانی تشکیل شده بود که حتی یکدیگر خود را به خوبی نمی شناختند و از اینطریق دستگاه حکومت به یک ماشین غیرفعال و فاقد اعتماد یک بر دیگر تبدیل شد. فعالیت های هواداران ببرک کارمل نیز در صدد تخریب نجیب برآمدند و با بعضی جناح های مخالف در شمال کشور همکار شدند تا آنکه این همه عوامل زمینه سقوط رژیم را بار آورد. داکتر صاحب واحدی علاوه کردند که: در چنین شرایط زمینه فعالیت جمعیت به هیچ وجه مساعد نبود و حتی بعضی از اعضا با مشاهده اوضاع تصمیم داشتند تا کشور را ترک نمایند و لذا فعالیت جمعیت کاملاً بی نتیجه ماند.

خدای بزرگ همه اعضای مؤسس جمعیت رستگاری ملی را که اشخاص با دانش، صاحب تجربه و صادق به وطن و مردم بودند و اکنون همه ابدیت پیوسته و دیگر در بین ما نیستند، غریق رحمت بی پایان خود سازد. روح شان شاد و یادشان گرامی باد.

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ